

بازگشت به قدرت

راهنمای کنشگری حکمرانی و معماری سیاست خيابانی

بر اساس چهارمین جلسه دوره رشد سیاسی.
سند راهبردی برای گذار از فعالیت‌های فرهنگی
به فتح ساختارهای حکمرانی.

نقشه راه حرکت: از آگاهی تا فتح ساختار

جبهه‌سازی (شبکه ملی حکمرانی)

اتصال هسته‌ها، تاثیرگذاری در نهادها و تغییر قوانین ساختاری.

رشد مستمر (جلسات تحلیل)

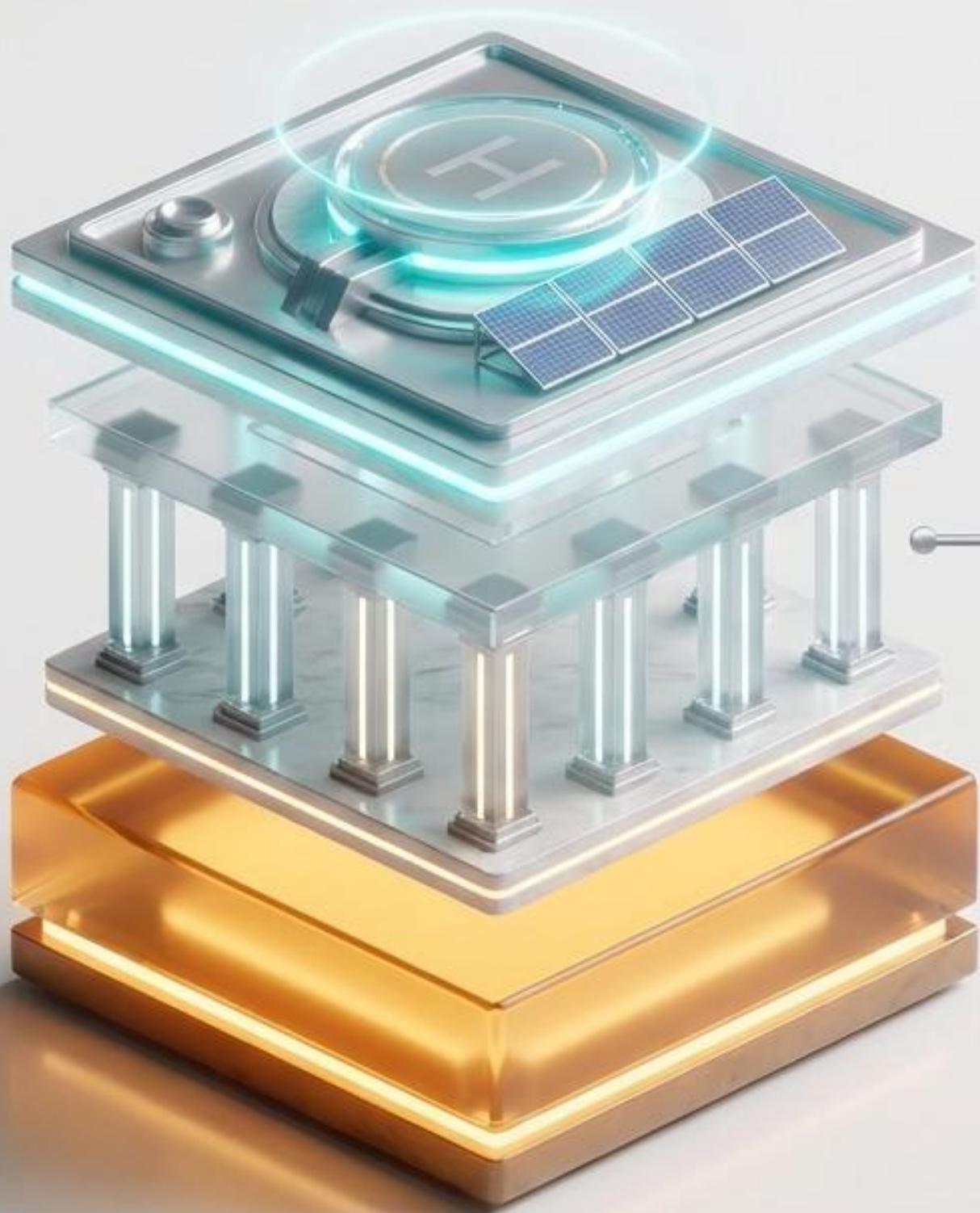
تسلط بر مبانی تحلیل روز و عبور از نگاه رویدادی به نگاه مستمر.

هسته‌سازی (حلقه‌های ۳ تا ۵ نفره)

ایجاد جمع‌های هم‌فکر برای تمرکز چندساله روی یک مسئله خاص.

بیداری (دوره بازگشت به قدرت)

درک اهمیت ورود به عرصه حکمرانی و خروج از انفعال.



سه گانه تحلیل سیاسی: معماری یک کنشگر طراز

رأس (لایه تکنیکی): راهکارهای عملیاتی و میدانی.
بدون این لایه، کنشگر در کلی‌گویی متوقف می‌ماند.

ستون‌ها (لایه نهادی): شناخت ساختارها، قوانین و نهادهای کشور.
بدون این لایه، کنشگر در توهّمات انتزاعی غرق می‌شود.

پایه (لایه ایدئولوژیک): مبانی فکری و آرمان‌ها.
بدون این لایه، کنشگر دچار نوسان و بوقلمون‌صفتی می‌شود.

کنشگران طراز (مانند بهشتی، مطهری، خمینی و خامنه‌ای)
هر سه لایه را به صورت یکپارچه درک و اعمال می‌کنند.
ما به فیلسوف صرف نیاز نداریم، به «مدیر-فیلسوف» نیازمندیم.

کالبدشکافی جریان‌های سیاسی ایران (دهه ۷۰ تا کنون)



زمین نبرد ما کجاست؟ (یافتن مزیت نسبی)



خیابان و عرصه عمومی:

- مساجد، روضه‌های خانگی و شبکه‌های مردمی
- تجربه تاریخی سال‌های ۵۸-۶۰ (بازپس‌گیری خیابان)
- تأمین مالی خودجوش (مدل اربعین: ۱۰۰۰ نفر با ۱۰ هزار تومان)

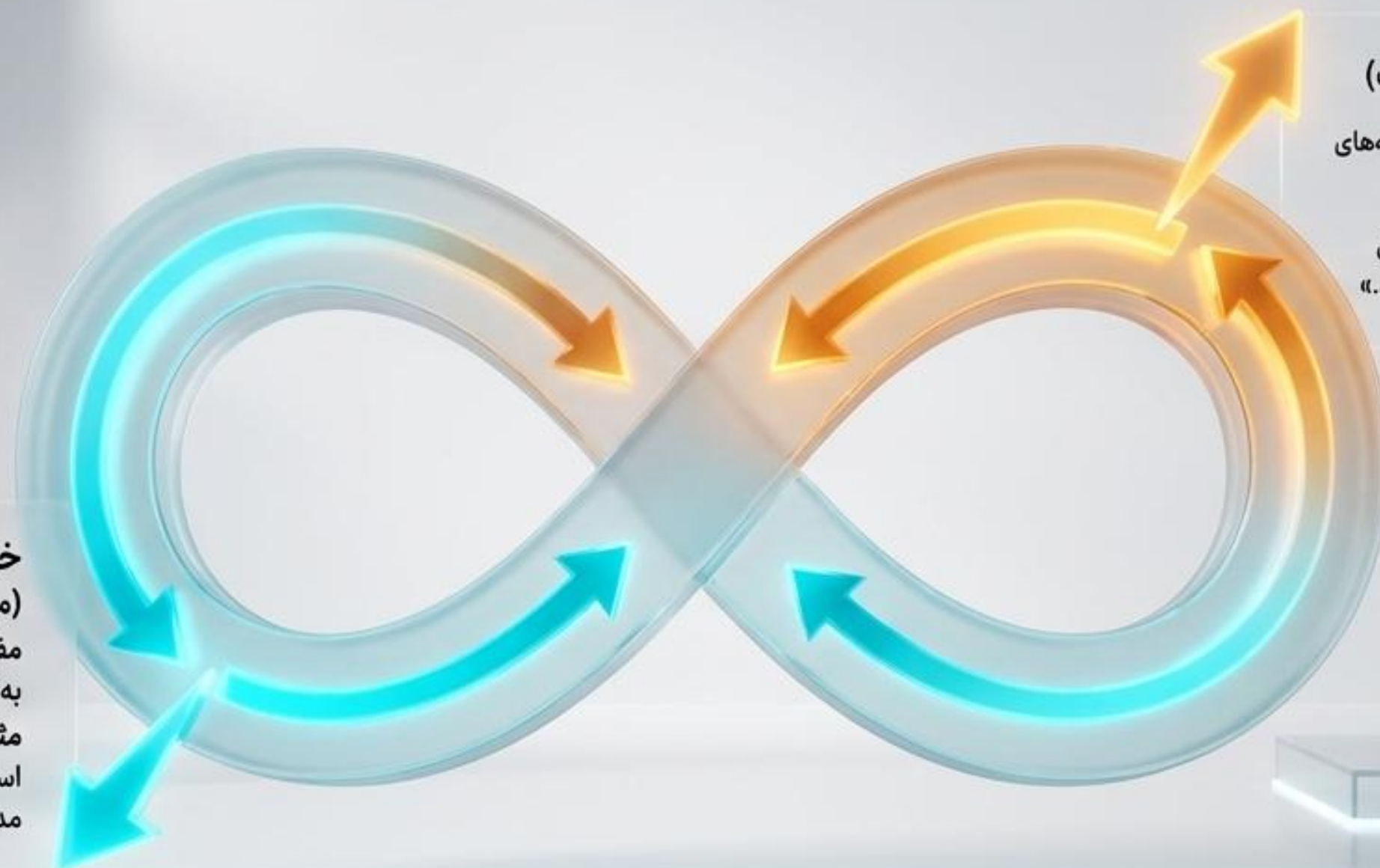
نتیجه: خیابان، نقطه قوت تاریخی ماست؛ جایی که رقیب تاب مقاومت ندارد.

فضاهای نخبگانی و بسته:

- رسانه‌های جریان اصلی (مصادره روایت)
- اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها (نیازمند فتح طولانی‌مدت)
- لابی‌های قدرت و اصناف خاص

نتیجه: در این فضاها فعلاً زور ساختاری ما کمتر است.

مکانیسم دوگانه: خیابان به مثابه اهرم قدرت



سیاسی کردن خیابان (ارتقای مطالبات)

مفهوم: تبدیل شعارهای گنگ و احساسی به خواسته‌های دقیق نهادی و تکنیکی.

مثال: از شعار «انتقام می‌گیریم» → به «بانک‌ها حق بنگاهداری ندارند و باید در خدمت تولید محلی باشند».

خیابانی کردن سیاست

(مردمی‌سازی تاریک‌خانه‌ها)

مفهوم: کشاندن مسائل تاریک اتاق‌های در بسته به کف جامعه و نورافکن انداختن روی آن‌ها.

مثال: آوردن پرونده انحصارگرایی

اسنپ / تپسی یا خصوصی‌سازی

مدارس به سطح دغدغه عمومی مردم یک شهر.

ما باید مسائلی را که در لابی مجلس و رسانه مسدود شده‌اند، به میدانی بیاوریم که در آن دست برتر را داریم: خیابان.

مطالعه موردی ۱: لایه تکنیکی (انحصار مالی در آبادان)



مسئله: مکش منابع محلی

ساختمان ۷ طبقه بانک پاسارگاد در آبادان منابع محلی را جمع‌آوری کرده اما ارز را حبس و ریال را به تولید تخصیص نمی‌دهد.

داده نهادی: تخلف از قانون

طبق قانون، بانک باید حداقل ۶۰٪ منابع تجهیز شده را در همان استان تخصیص دهد. اما اینجا تنها ۵٪ نگه داشته و ۹۵٪ را صرف سفته‌بازی در تهران می‌کند.

کنش سیاسی و خیابانی:

یک هسته مطالعاتی با استخراج این داده‌ها، علیه بانک نزد دادستان (مدعی‌العموم) اقامه دعوا کرده و این ثقل ساختاری را به یک مطالبه خیابانی تبدیل می‌کند.

مطالعه موردی ۲: لایه نهادی (آموزش عمومی در اهواز)



مسئله:

واگذاری زمین‌های آموزش و پرورش ناحیه ۳ اهواز به مدارس غیردولتی تحت عنوان «مولدسازی».

تناقض مدیریتی:

در انبار هنرستان دولتی، ماشین‌آلات دپو شده به ارزش ۵ تا ۷ میلیارد تومان خاک می‌خورند. به جای فروش ضایعات برای تجهیز مدرسه دولتی، کل سیستم به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

نتیجه اجتماعی:

خانواده‌ها مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف شده و نارضایتی مستقیماً به حاکمیت سرریز می‌کند.

کنش سیاسی:

معلمان باید این پرونده را از سامانه مولدسازی استخراج کرده و به عنوان یک مطالبه مشخص نهادی، یقه اداره کل را در عرصه عمومی بگیرند.

مطالعه موردی ۳: لایه تکنیکی (سرکوب قیمتی در بازار تاکسی)

مسئله:

ورود اپلیکیشن «دات‌وان» به منطقه آزاد اروند و ارائه قیمت‌های به شدت پایین و غیرمنطقی.

تحلیل تکنیکی:

این یک «سرکوب قیمتی» (Dumping) مصنوعی است. هدف، حذف رقبا (با تحمل ضرر موقت)، ایجاد انحصار کامل در بازار، و سپس بالا بردن شدید قیمت‌هاست.

کنش سیاسی:

دانشجویان اقتصاد و مدیریت باید تابع هزینه‌های این شرکت‌ها را استخراج کنند. با اثبات نرخ‌شکنی مصنوعی به دادستان، یک پدیده پیچیده اقتصادی به یک کارزار موفق سیاسی-خیابانی تبدیل می‌شود.



آناتومی یک مطالبه ساختارشکن

مرحله ۱: درد عمومی

احساس خام (عریض)

نارضایتی خام، بدون قابلیت پیگیری.

مردم می‌گویند: «گرانی بیداد می‌کند، اقتصاد

خراب است، انتقام بگیرید.»

مرحله ۲: هدف‌گیری نهادی

ساختار (میانه)

شناسایی گره کور.

کنشگر می‌پرسد: «کدام قانون مقصر است؟» (عدم اجرای

اصل ۴۴، انحصار اتاق بازرگانی، خلأ نظارت).

مرحله ۳: شلیک تکنیکی

میدان (نوک پیکان)

شفاف، ملموس، قابل اندازه‌گیری.

اقدام: «اتحادیه تراشکاران علیه تخصیص ارز

فلان بانک به سفته‌بازی، به دیوان شکایت کرده

و تحصن می‌کند.»

زرادخانه فکری: شما تنها نیستید

پشتوانه تئوریک:

سیاسی کردن خیابان نیازمند تغذیه فکری است. جریانی که بازگشت به قانون اساسی را دنبال می‌کند، دارای یک عقبه قدرتمند است.

مجله «نامه جمهور»:

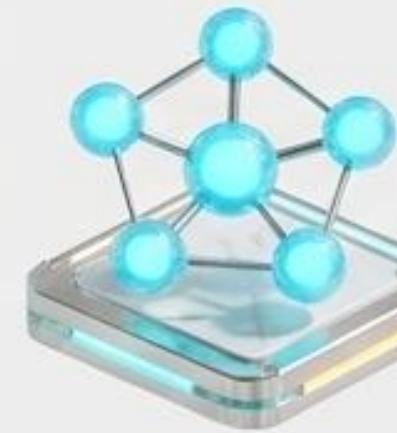
مرجع اصلی و مانیفست این جریان (مانند پرونده «تنگنای نانمایدگی»).

سرداران جوان میدان:

اگر نیمی از این نام‌ها را نمی‌شناسید، هنوز به شبکه متصل نشده‌اید. رسالت ما پیوستن به این شبکه به عنوان افسران میدانی و خیابانی کردن تئوری‌های آنان است.



دستورالعمل اقدام: قدرت حلقه‌های ۵ نفره



۱. یارگیری:

یک نفر به تنهایی نمی‌تواند ساختار را تغییر دهد.
۳ تا ۵ نفر هم‌فکر و هم‌دغدغه پیدا کنید و یک
حلقه مطالعاتی بسازید.



۲. انتخاب یک مسئله:

تمام مشکلات را رها کنید. فقط روی یک مسئله
مشخص محلی یا صنفی زوم کنید (مثلاً تمرکز ۳
ساله روی فرایند انحصار وراثت).



۳. کفش آهنی:

از جلسات هفتگی شروع کنید، داده جمع‌آوری کنید،
با مسئولین درگیر شوید و مردم را پای کار بیاورید.
حکمرانی، پروژه رویدادی نیست؛ مستلزم پیگیری
چندساله است.





توبندگی چو گدایان به شرط مزد مکن

شروع از امروز:

مسئله را پیدا کنید، لایه‌های سه‌گانه را تحلیل کنید، آن را به خیابان بیاورید و حلقه خود را بسازید.

ترس از شکست (منطق شیطان):

شیطان شما را از «نشدن» و «آبرو رفتن» می‌ترساند تا منفعل بمانید. خداوند اثر عمل شما را در شبکه محاسباتی خود به بلوغ می‌رساند.

منتظر تضمین نباشید:

کنشگر انقلابی، «گدای سیاسی» نیست که بگوید: اگر دادستان تضمین داد، من گزارش می‌نویسم. ما مکلف به عمل ساختاریافته هستیم.

بازگشت به قدرت از اینجا آغاز می‌شود. همین امروز حلقه خود را بسازید.